

# مشروطه و مشروطه خواهی در ایران

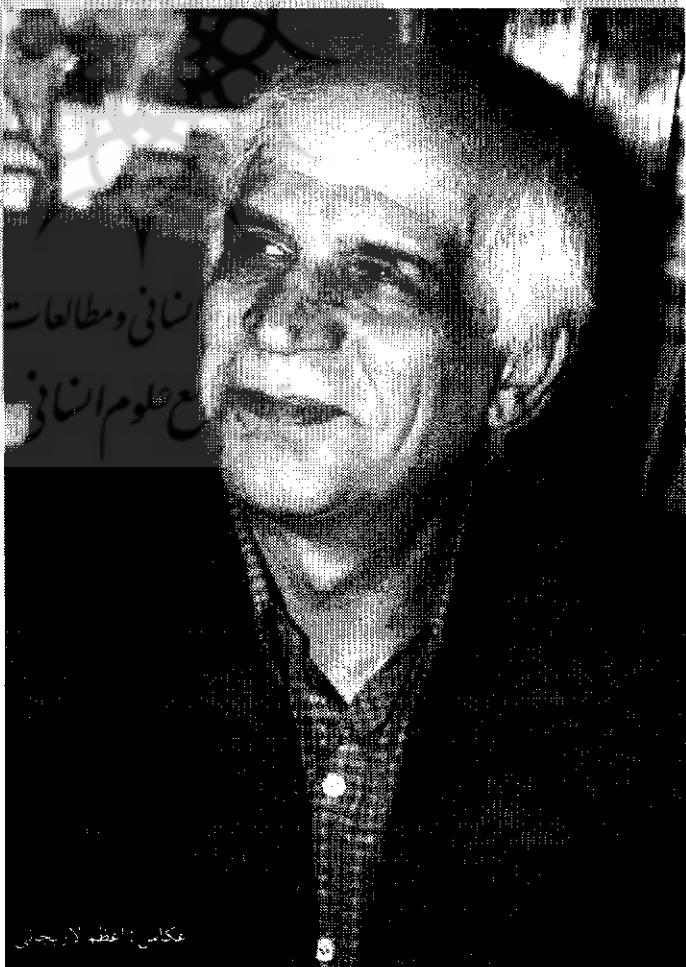
گفت و گو با دکتر علام حسین رزگری نژاد  
استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران

گفت و گو، سسکو، مسعود جوادیان

## آشایه

دکتر رزگری نژاد برای اهل تاریخ و به ویژه  
علاله‌مندان به مباحثت تاریخ معاصر و معلمان  
تاریخ چهره‌ای شناخته شده است. با توجه به  
نزدیک شدن به پیکدهای سال‌گرد نهضت  
مشروطه ایران، محور گفت و گو با استاد رهمن  
موضوع قراردادیم و با تافق ایشان، از پرداختن به  
مواردی چون شرح زندگانی و سیر فعالیت‌های  
علمی-آموزشی صرف نظر شد. امیدواریم در آینده  
به این مقوله نیز پردازیم.

● جناب دکتر با تشکر از این که مصاحبه را پذیرفته است.  
شما حتماً در زندگی علمی و آموزشی فرازونشیب‌های  
زیادی داشته‌اید؛ روزگاری دیر تاریخ بوده‌اید؛ سوابق  
مبارزاتی نیز داشته‌اید؛ هم متخصص تاریخ صدر  
اسلام و هم متخصص تاریخ دوران معاصر ایران  
هستید؛ و سال‌ها در زمینه‌های گوناگون قلم زده‌اید و  
کار کرده‌اید. طبعاً در یک نشست نمی‌توان درباره همه  
این موارد بحث کرد. بنابراین، اگر موافق باشد بحث  
خود را می‌بریم روی مشروطه. از قرار معلوم در نظر  
است در سالی که در پیش رو داریم به مناسبت صدمین



عکاس: الحظه لاریجانی

الله است، میرزا رله بیان های نظام استبدادی

پذیرفته باشند، اما این ایام، نهادهای

نظامیان و امنیتی این کاره را به دست آورند

و زاندهای تحقیق در تکمیل می شوند.

سالگرد مشروطیت سپاهیان برگزار شود.

سؤال این است که این سپاهیان یا بیش تر برای

بزرگداشت مشروطیت و بزرگداشت شهادت

مردان بزرگ یا حادثی از این دست است، یا

به بهانه بزرگداشت مشروطیت بیاست،

حروف های ناگفته در قالب مقالات و تصحیح کتاب و انتشار

سند و امثال آن گفته شوند.

○ به نام خدا، من هم تشکر می کنم که فرضیتی به من داده شد تا

پیامون کنگره یکصدمین سالگرد بزرگداشت مشروطیت نکاتی را

عرض کنم. شما در آغاز سختان لطفی داشته اید و گفتید که من در

زمینه های مختلف تخصص هایی دارم که من این ادعای ندارم و این

لطف شمام است. بنده مطالعاتی راجع به تاریخ معاصر از جمله

مشروطیت داشتم. ایندیوارم که توفیق پیدا کنم، در ایام مناسیب

این مطالب را در مورد مشروطیت بخوبیم. اما در مورد کنگره هایی که

فرمودید در سطح کشور در جریان هستند باید بگویم، سال گذشته

یک دو کنگره برگزار شد: یکی در قم و یکی هم توسط « مؤسسه

مطالعات تاریخ معاصر ایران ». در مورد هدف ها و ماهیت برنامه ها

چیزگوئی رویکرد نیست به مشروطیت در این کنگره ها، بهتر است

از بیان و برگار کنندگان و نیز از طریق بررسی مقالات چاپ شده

این سپاهیان را اطلاع لازم را کسب کنید. اما در مورد کنگره ای که

من دیگر علمی آن هستم، بعضی کنگره ای که چند ماه دیگر

برگزار خواهد شد، باید بگویم، کنگره ای است بین المللی در مورد

یکصدمین سال مشروطیت در ایران.

این کنگره برای تمجید و یا ستایش مشروطیت نیست. کنگره ای

است علمی. برنامه زیری اصلی این کنگره توسط دولت محترم

جمهوری اسلامی انجام شده است و با همکاری چند وزارت خانه

وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، وزارت آموزش و پرورش و

وزارت کشور برگزار می شود. هر کدام از این وزارت های متعدد

شده اند، به جنبه هایی از مشروطیت توجه و عنایت کنند.

بعض های هنری و فرهنگی به عهده وزارت ارشاد است و استان های

کشور، به خصوص استان هایی که با مشروطیت درگیر بوده اند، نظیر

آذربایجان، گیلان، خراسان، کرمان و گلستان توسط وزارت کشور

فعال می شوند. وزارت آموزش و پرورش هم عهده دار مشارکت دادن

دیگران و دانش آموزان است.

## بحث علمی کنگره را وزارت علوم

تحقیقات و فناوری عهده دار شد و این وزارت خانه هم برگزاری آن را به دانشگاه تهران محول کرد. دانشگاه تهران بر اساس پایگاه و حارجگاه های علمی و دانشگاهی بر آن است که با دعوت از استادان متخصص و صاحب نظر در مورد جنبه های گوناگون مشروطیت، مطالعه لازم صورت گیرد.

کوشش خواهد شد که این پدیده به عنوان پدیده ای بسیار مهم، از زوایای متضاد و گوناگون

و از منظرها و تحلیل های صاحب نظرانی که ممکن است با اصل

پدیده موافق باشند و یا بر جنبه هایی از آن اتفاق داشته باشند، به طور علمی بررسی شود

● شما فکری کنید بستر علمی لازم برای جنبه بحثی فراهم است؟

○ من تردیدی ندارم که چنین بستری وجود دارد. کنگره اصلی، در

استفاده برگزار می شود و پیش سپاهیانی هم پیش بینی شده است.

برای مثال، تحت عنوان بزرگداشت آخوند خراسانی، سپاهیانی بدون هیچ مشکلی یا استقبال اجتماعی و با حضور بخش مهمی از محققان برگزار شد و در هیچ جنبه ای، به مانعی برخوردم. فکری کننم، کنگره ای بسیار خوب برگزار خواهیم کرد.

● از نظر کارهای انتشاراتی چه تصمیمی دارید؟

○ بعد از کنگره اصلی، همانند کنگره ای که قبل از کنگره اصلی برگزار شد، کنگره بزرگداشت مرحوم نائینی، و به دنبال آن، همایش فرهنگ و هنر و ادب مشروطیت برگزار خواهد شد.

در نظر داریم، در کنار همایش، بخش مهمی از آثار منتشر نشده در مورد مشروطیت را، مانند آثار و کتاب های خطی، استاد و مدارک مشروطیت که تابه حال متشر نشده اند و در آشیوه ها و مجموعه های خانوادگی نگهداری می شوند، شناسایی کنیم. کوشش خواهد شد که در صورت وجود حدایت های مالی، تا حد امکان این قبیل آثار را جاپ کیم. از طرف دیگر، می دانیم که مهم ترین مسائل مربوط به مشروطیت در روزنامه های آن دوره مطرح شده اند.

به هر حال، انقلاب مشروطه بیان های نظام استبدادی را فرو ریخت و فضای برای آزادی فعالیت های مطبوعاتی و فکری ایجاد کرد و به دنبال آن، روزنامه های متعددی در کشور منتشر شد. البته انتشار همه این روزنامه ها کار دشواری است، اما در نظر است

که عده ترین روزنامه های این دوره را تجدید چاپ و منتشر بکنیم تا به سادگی مورد استفاده محققان و اهل تحقیق قرار بگیرند. می دانید که شماری از این روزنامه ها در حال پوسیدگی هستند و به دلیل

جهت گیری ایجاد شود. بنده معتقدم که پذیرفته مشروطیت بگزین از  
بزرگترین پذیرفتهای تاریخ ایران است. به همت نجگان چیز و

منابع اندیشه سیاسی در تاریخ ایران  
کتاب اول

رسال مشروطیت

(۱۸) ادسه و ایمه درباره مشروطیت

به گوشن، دفتر لامحسن زرگوی راه

بروان ۱۳۷۴

مشکل زویه رومی کند. چنانچه بتوانیم این روزنامه‌ها را تاجیانی که  
ممکن است، منتشر کنیم و در معرض استفاده محققان قراردهیم،

به خدمتی فرهنگی و  
آسیب‌هایی که دیده‌اند، مراجعه به آن‌ها دشوار است. بتایران،  
تحقیق در مورد مشروطیت از طبق روزنامه‌ها، ما و محققان را با  
مشکل زویه رومی کند. چنانچه بتوانیم این روزنامه‌ها را تاجیانی که  
ممکن است، منتشر کنیم و در معرض استفاده محققان قراردهیم،

به خدمتی فرهنگی و  
علمی نائل آمده‌ایم و  
زمینه‌های مطالعات  
دقیق تر و عالمانه تر  
مشروطه خواهی را  
فرام آورده‌ایم.

#### ● در صحبت های اشان

اشارة کردید به چاپ  
روزنامه‌های زمان مشروطیت و فرمودید که فضای به مرقد آمده گوست  
روزنامه‌ها، جدید بوده است. فکرمنی کنید همین اظهار از نظر شما  
نوهی چهت گیری نسبت به مشروطیت است؟

○ بینید من تمی داشم که شما جهت گیری را به چه معنا تعیین  
می کنید.

● اگر کسی بگیرد این روزنامه‌ها بیش از مشتی ایاطبل نبوغه‌اند  
بلکه مطالبس را می نوشته‌اند که در جامعه موجب اشوب  
من شده است و فر آن‌ها به یکدیگر تهمت می زده‌اند و جامعه را دچار  
می نظمی می کرده‌اند، شما چه باسخنی دارید؟

○ اگر شما این نظر را دارید که بگویید روزنامه‌ها در دوران  
مشروطیت یک مشتی ایاطبل مستثمر کرده‌اند، من از شما  
حواله خواست که در داوریان قدری تعديل کنید و بیش تر بررسی  
کنید. محتوای روزنامه‌ها را یک پار دیگر بخوانید و ببینید، آیا آنچه  
که در این روزنامه‌ها نوشته شده، ایاطبل است یا نه. ممکن است  
شما باین‌دله با محتوای این روزنامه‌ها موافق نباشیم، اما روزنامه‌های  
منتشر شده در آن دوران سند هستند و مراجعه به این استاد تاریخی  
برای دیدن یک پذیرده، چه مارافق باشیم و چه نباشیم، ضروری  
است. من تمی بذریم که روزنامه‌های آن دوره مشتی ایاطبل بوده‌اند  
و اگر بخواهم تأمل جدی بکنم، خلاف این سرف را می گویم.

ولی بر فرض محال، اگر این سخن را بذریم، به هر حال، این  
روزنامه‌ها استاد مربوط به آن دوران هستند و برای مراجعه به آن دوران ر  
شناخت آن دوران، مراجعه به این «ایاطبل» استاد تابلیر است.

● جایمال در صحبت های این در مقیمه فرمودید که این کنکره سوای هر  
فعی گرایش جایبال را، به صورت علمی برگزار خواهد شد. سپس از  
همیت روزنامه‌ها سخن گفتند. من مظوظم این بود که به نظر من رسید،  
شما از هم اکثر نسبت به پذیرفته مشروطیت جهت گیری دارید.

○ من چنین احساس ندارم. اما هیچ ایرادی نمی بیتم که چنین

است و به همین مناسبت، روزشمار از اینجا آغاز شده است. کل گزارش‌ها، وقایع و رویدادهای تاریخی، زلزله و خشکسالی و ملت،

#### ارگاه‌اللهان و نبی‌العاملي

در ایام حضرت لیل مساجد قاتلین و شرمنی  
نوشت: سید احمد بن معزالی‌العاملي  
به کوشش علام‌حسین روزگری‌زاده

وجوددارد که سمع آوری نشده‌اند و به نظر مرسد، با وجود معرفت نسی که نسبت به رویدادهای مشروطت وجوددارد، اگر بخواهیم به یک معرفت کامل و دقیق بررسیم، باید کوشش کنیم که این استاد و مدارک دقیق در سمع آوری شوند و در دسترس قرار گیرند تا مبنای داوری و ریاست عالیه محکم تری پیدا کیم.

● آیا تابه‌حال از استادان و مؤسسه‌های خارج از کشور هم دعوت کردۀ‌اید؟

○ یک کمیته علمی پیش‌بینی شده است. در آغاز کار، وقتی مسئولیت به دانشگاه نهران تحویل داده شد، ما کوشش می‌کردیم که ترکیب کمیته علمی ترکیب باشد از استادان صاحب‌نظر نسبت به مشروطت و از جنبه‌های فکری، اجتماعی و اقتصادی. به معنی دلیل، ترکیب اعضای کمیته را به رشت‌های تاریخ و استادان تاریخ محدود نگیریم و ترکیب پذیراند از استادان متخصص در تاریخ، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصادی، مردم‌شناسی و حتی هنر و ادبیات تا این ترکیب بتواند، هم مقالات متعددی و هم پژوهش‌های متفاوت را برای بررسی مشروطت مطرح کند.

با همین نگاه، هم از استادان خارجی دعوت شد، از ازویا و کشورهای عربی، ترکیه، امیریکا، روسیه و کشورهای ناگهانی‌است. با این‌حال، نهاد از استادان متعددی دارند و هم احتمال می‌دادیم، آژوهه‌ای متوجه در مورد تاریخ معاصر ایران داشته باشند. بین ۲۰ تا ۲۰ نفر از استادان خارجی در این همایش شرکت خواهند کرد و تماس‌هایی با آن‌ها برقرار شده است و جواب‌های مساعده‌ی هم گرفته‌ایم.

● خود جنابعالی آیا کارهای در حال چاپ دارید؟  
○ در چه زمینه‌ای؟

● در زمینه تاریخ ایران به زبان مشروطت.

○ تاریخ معاصر یا دوره‌ای آغاز می‌شود که عوادگاهی نسبت به تعطیاط آغازش و کوشش‌های برای اصلاح وضع موجود و نویسارت و ترقی به عمل آمد. بایه‌گذار این رویداد، مکتب سپریز و میرزا بزرگ قائم مقام فراهمان، پدر ابوالقاسم فراهمان است. عباس میرزا ناکب‌السلطنه تحت نائیمیرزا بزرگ قرارداد است و این‌ها بیانگذاران مکتب تبریز بودند. از این زمان کوشش‌هایی برای اصلاح و ترقی کشور و نجات آن از بن‌بست آغاز شد و من مبدأ تاریخ معاصر را از این‌جا می‌دانم. اگر با این معنا موافق باشید، عرض می‌کنم که روزشماری در مورد تاریخ ایران تدوین شده که در حقیقت مجری طرح آن مؤسسه مطالعات تاریخ است. این کار در ده جلد تنظیم شده که رخدادهای ایران را از سقوط اصفهان پی‌گیرد.

سقوط اصفهان به این معنا، هم حادثه‌مهی است، هم تقریباً دوره قدرت‌گیری تحالفی خان‌قاچار که حد اعلیٰ سلاطین قاجار

تاریخ معاصر ایران  
دوره این اکتسان  
سیاست‌پروردگاری  
حقیقت‌گشایی بهای  
اصلاح وضع موجود  
و فویسارت و ترقی به  
عمل احمد، پایه‌گذار  
این رویدادهای بحث  
تبریز و میرزا بزرگ  
الله‌خان فراهمانی  
پدر این مؤسسه  
براهانی است

دانشجویان دوره‌های کارشناسی بامن همراه  
بوده‌اند، ولی مسؤولیت کار با من بوده است  
که در نتیجه، کامی‌های احتمالی آن نیز  
متوجه من است.

دیگر این که مسائل افغانستان مسائل  
سیاسی‌محیی هستند. در این پیش‌نسل اخیر،  
تحولاتی جدی در افغانستان اتفاق  
افتداده است و گمان می‌کشم، به رغم  
پیووندهای ریسع و ریشه‌داری که ما با  
افغانستان داشته‌ایم، مطالعات افعال شناسی  
در کشور ما در سطح نازلی است و اطلاعات  
کافی درین باره وجود ندارد.

من کوشیده‌ام، کتاب‌ها و مراجع اصلی  
افغانستان را بایم. یکی از این کتاب‌ها، کتابی  
است که مشی جامی به نام احمد شاه  
نوشته است. مشی جامی مورخ و توانسته دربار احمدخان درانی،  
مؤسس افغانستان جدید است.

این کتاب به صورت یک نسخه‌عکسی توسعه‌روس‌ها، سان‌ها  
پیش از انقلاب اسلامی در شیرازی محدود متشه شده بود و جاده شد  
که تصویب اتفاقی شود. من این کتاب را تصویب کردم و احتمالاً  
توسط انتشارات دانشگاه تهران منتشر خواهد شد.

همچنین، علاقه‌اصلی من، تفکر سیاسی در عرصه تاریخ  
بوده است. در کتاب اشغالات دیگر، همواره هر این باره به تحقیق و

ارادتی که ناصرالدین شاه به امیرکبیر داشت و پیشمانی که پیش از کرد بود، یافع شد که خودش افکار امیر را پساده کند. در سال ۱۳۷۵ ق بعنی بلا فاصله بعد از عزل میرزا آقاخان نوری، به جای نصب یک صدراعظم، یک برپامه جدی به نام ایجاد امور ای دولت را بنال کرد و مشت و وزارت خانه را پایه گذاری کرد؛ نهادی به نام شورای دولت که بنیاد ترکیب کابینه های بعدی را فراهم آورد. این شورا و شش وزیر تصمیم گرفتند، برنامه های تویستند، بروای اداره دولت. یک سال بعد، مجلسی به نام مجلس قانونگذار و «مجلس مصلحت خانه» را ایجاد کرد. این مجموعه موظف بودند، قانونی برای اداره کشور تویستند. مجلس مصلحت خانه بعد از توسمه پیدا کرد و بعد از این که سپهسالار متکفل امور کشور شد، به نام «دارالشورای کر» به حیات خود ادامه داد و متن های متعدد قانونی را تویست.

من در این شماره اخیر مجله «تاریخ معاصر» یک متن از قانون اساسی را عرضه کرده ام و چاپ خواهد شد. اگر مطالعه کنید، مشاهده خواهید کرد که قانون اساسی بدون به وسیله ۱۵ وزارت خانه بین سال های ۱۲۹۹ - ۱۲۸۷ تصویب شده است؛ یعنی دقیقاً ۲۵ سال پیش از قانون اساسی مشروطیت، بنا بر این، نهادهای به نام نهادهای قانونگذاری در کشور موجود داشتند. رساله های متعدد در مردم قانون در این دوره نوشته شدند. حداقل ما ۱۲۰ رساله سیاسی داریم که در زمینه های گوناگون در این دوره نوشته شده اند، و هیچ کدام هم چاپ و عرضه نشده اند. وقتی به مجموعه این رساله ها توجه کنیم، می بینیم که یک میراث قانون توییسی از آغاز دوره اجتهادی تا دوره مشروطیت وجود دارد. این قانون اساسی مشروطیت، گرچه به صورت اجتناب نایابی از قوانین کشورهای اروپایی الهام گرفته شده است، اما در حقیقت از یک میراث داخلی هم سرچشمه می گیرد و به صورت دقیق و به بکاره به وجود نیامده است.

اما بحث عدالتخانه. در بررسی بحث مشروطیت باید دو مسأله را مورد بررسی قرار دهیم: یکی حرکت ضد استبدادی مردم ایران علیه حکومت خودکامه، قاجاریه بر بنیاد رشته های متعدد فکری و اقتصادی، اجتماعی، این نهضت حداقل از «رُزی» شروع می شود؛ یعنی ستبر علیه استبداد و استعمار حامی استبداد از رُزی به بعد شروع می شود و علمای بزرگ و بر جسته، روشنفکران در دامنه کشور، مردم، اصناف و بازاریان با هم همکاری دارند، برای لگام زدن به نظام استبداد مطلعه. تلاش های آشکار و پنهان در سالهای آئی و حکومت مظفر الدین شاه در دوره صدارت عین اللوله به نتیجه جدی تری می رسد و عوامل متعددی، واکنش های درونی و حرکت های شکل گرفته از بطن جامعه را آشکار می کند و مبارزات ضد استبدادی، در قالب مهاجرت صفر و بعد در قالب مهاجرت

تأمل پرداخته ام. رساله های متعددی را پیدا کرده ام که به شناخت دقتی فکری آن دوران کمک می کند و امیدوارم آن ها را منتشر کنم.

یک جلد از آن ها به نام «رساله مشروطیت» منتشر شده است و جلد دوم آن آماده انتشار است. دو مجموعه هم به نام «رساله های سیاسی دوره قاجار» آماده کرده ام که امیدوارم به زودی منتشر شود.

● بجای دیگر، در جریان مشروطیت، ابتدا می بینیم که صحبت در مورد عدالتخانه است، اما کم زمینه های جنیش شروع می شود و بحث می آید روی مشروطیت، این روند چگونه شکل گرفت؟ عدالتخانه از کجا شروع شد و کی به مشروطه خواهی تبدیل گشت؟ به نظر شما یعنی ترکیانی که در این دوره ادعای مشروطه خواهی می گردند، در عمل و نظر با مشروطیت چقدر آشنا بودند؟

○ من درست داشتم در شرایط دیگر و با فرصت کافی به این موضوع می پرداختم، نه در یک گفت و گویی محدود. اما ناجار به اختصار نکاتی را عرض می کنم. فکرمن کنم که این نگاه شما از یک سلسله آثار رژیونالیستی، نه کارهای آگاهانه و تحقیقی سرچشمه گرفته است. اگر ما روزی مشروطیت تأمل جدی داشته باشیم، مطالب را طور دیگری خواهیم دید.

چیزی تصور نشده است که قانون نگری و توجه به قانون در ایران نداشته ایم و آمدیم مشروطیت را خلق کردیم و از دل یک نگاه سطحی و عجلانه و شتابزده و با اشاره خارجی ها، قانون اساسی را پدیدآوریم. در حالی که اگر به سیر تحولات نویوهای و اصلاح طلبی و ترقی خواهی - که گفتم از عصر میرزا بزرگ شروع شد و به خصوص از دوره امیرکبیر، که او هم یکی از برجسته ترین افراد آن مکتب است - نگاه کنیم، می بینیم که توجه و تلاش برای ایجاد یک نظام قانونی جزو برنامه های جدی امیرکبیر بود. آمال و اندیشه اصولی امیرکبیر این بود که حکومتی مستبد و بیتی بر قانون یا «دولت منظم قانونی» پدید آورده او بستر های عملی آن را فراهم ساخت و دستورالعمل آن را صادر کرد. البته عمر دولت امیرکبیر کفاف نداد تا آنچه را که اجرایی کرد، به صورت مدون درآورد.

امیرکبیر به دستور ناصرالدین شاه با تحریک عمله خلوت و با تحریک امثال میرزا آقا خان نوری به قتل رسید، ناصرالدین شاه دوران استبداد و سیاهکاری میرزا آقاخان را تحمیل کرد و بالاخره در ۱۲۷۵ ق فرمان عزل میرزا آقاخان را صادر کرد و در فرمان عزل اشاره کرد که شما کشور را به تنهایی اداره کرده اید و این باعث بروز آسیب ها و مشکلاتی در امر کشور داری شد. او میرزا آقا خان را برداشت و برگشت به اندیشه های امیرکبیر. در واقع ناصرالدین شاه متوجه شد که میرزا آقاخان نوری و عناصری که وی را به قتل امیرکبیر تحریک کردند، در واقع فرزانه برجسته ای را از دستگاه دولت حذف کردند و اکنون که امیر بیست، باید برنامه های امیر دویاره برگردند.

کبرا، امتداد و استمرار می‌باید. در مهاجرت صغرا، مردم خواسته‌هایی دارند و رهبران مردم، مثل طباطبائی که آمال بر جسته و برنامه‌هایی وسیع داشت، تا جایی که شرایط اتفاقی ایجاد کرد، همه آنچه را که در آخر گفت در آغاز نگفت، خواسته‌هایی را مطرح کردند که ایجاد عدالتخانه از جمله آن‌هاست.

عدالتخانه در مهاجرت صغرا مطرح شد. تعدادی متکر این مستند که در درخواستهای اولیه وجود داشت، بلکه مدعی اندک که آن را اضافه کردند. از جمله ذکر مهدی ملک زاده مدعی است که پدر من آن را اضافه کرده است. بعضی دولت‌آبادی هم مدعی است که او خودش آن را اضافه کرده است. هر کدام در این زمینه ادعاهایی دارد و می‌گویند، نه به عنوان یک «خواسته» مطرح شد، بلکه به این معنا که عدالتخانه یک نظام حکومی باشد. عدالتخانه

می‌خواهیم میان طباطبائی و شیخ فضل الله، مرحوم شیخ فضل الله می‌پرسد شما چه می‌خواهید، مرحوم طباطبائی پاسخ می‌دهد، مشروطه می‌خواهیم، یعنی قبل از این که مردم در سفارتخانه انگلیس‌ها اجتماع کنند و حرف مشروطیت را بزنند. بنابراین، هم پیش از شکل گشیری و هم درین مهاجرت کبرا، صحبت از مشروطیت بوده است.

به این ترتیب، عدالتخانه یک کاره فراموش نشد تا مشروطیت به جای آن باید. در خواست احرای فاتون، اجرای قضایی و اجرایی جزایی در چارچوب قانون اساسی مطرح بود. بنابراین عدالتخانه کنار گذاشته نشد که مشروطیت جای آن گذاشته شود. یکی از خواسته‌ها عدالتخانه بود و در قالب مشروطیت و ایجاد عدالتخانه وجود داشت.

● جناب آقای دکتر، چه طور شده است که شما هم در مورد تاریخ معاصر و هم در مورد تاریخ صدر اسلام مطالعه کرده‌اید؟  
○ به طور طبیعی، ما در عرصه مطالعات علمی باید در یک حوزه‌تخصصی متوجه شویم. من در این دوره زمینه کار کرده‌ام. البته ادعای تخصص ندارم، بلکه به این دوره زمینه علاقه داشتم. در تاریخ اسلام و تاریخ معاصر که در دوره جوانی مشغله من بوده است مطالعه کرده‌ام و حاصل مطالعات خودم را نوشتam. مفکرمنی کنم، اگر کسی بتواند در چند زمینه کار کنند و بتواند با متدهایی به متابع اصلی، کار جدید و سخن جدیدی را مطرح کند، عین داشته باشد.

طبیعی است که سهل‌انگاری در تحقیق و حرف‌ها و کارهای تکراری عیب است. یعنی اگر به کسی بگویید، آقا شما که در این دوره حوزه کار کرده‌اید، کاری‌تان این عیب‌ها را دارد و کسانی که در این حوزه‌ها کار می‌کنند، این عیب‌ها را تأیید کنند، این نقد و ردی است. چنانچه کسی مقید به اصول تحقیقی در چند زمینه کار کند، من گمان می‌کنم، باید کارش را بیسیم و ارزیابی بکنم. چند زمینه کار کردن، عیب نیست، عیب این است که در چند زمینه کار ضعیف‌النجام پذیریم.

من در زمینه اسلام و کار منتشر کرده‌ام: «تاریخ صدر اسلام» که مفصل است، و نیز کاری در مورد درس‌های دانشگاهی از من خواسته شد تحت عنوان از «بعثت تا غیبت». کوشش کردم که حرف جدید بزنم و تحلیل جدید داشته باشم و نوشتۀ دیگران و گذشتگان را رونویسی نکنم. چنان‌چه توافقی را پیدا کرده باشیم، باید ادعا داشته باشیم که در این زمینه می‌توانم کار کنم. اگر توافقی پیدا نکرم، با واکنش‌ها و انتقادهایی که می‌شود و نقدهای بیانی، طبیعی است که خودم را باید محدود کنم و کار نکنم.  
● اگر فرضتی برای شما حاصل شود، به غیر از تاریخ اسلام چه



درخواسته‌های آن دوره، یعنی تأسیس عدله، وزارت عدله وجود داشت، اما عملی شدن عدالت در کشور، آن هم در عرصه حقوقی، قضایی و اجتماعی و نه به عنوان نظام حکومتی. در حرکت‌های بعدی وقتی خواسته‌های مردم تحقق پیشتری پیدا کرد و عملی تر شد، مشروطیت را عنوان کردند.

● دقیقاً کجا؟

○ پیش از مهاجرت صغرا در فکر رهبران مشروطیت وجود دارد. گزارش از نظام اسلام کرمانی و دیگران وجود دارد که طباطبائی پیش از آن که سرکت مردم و تشکیل انجمن‌های مخفی و ملی شکل تکرید، در سال ۱۳۲۲ هـ. ق این اندیشه را داشته و می‌خواسته است که قدم به قدم آن را به مرحله اجرا درآورد. بنابراین این اندیشه در ذهن آن‌ایان وجود داشته است. اگر می‌خواهید بگویید که در گفت و گوهای مربوط به مهاجرت کبرا مطرح شد، به دران جا هم طرح شد، اما در یکی از نسخه‌های خطی، گفت و گویی را

کارهای انجام خواهد داد؟

- این جلد اول تاریخ اسلام که منتشر شد، براساس کار مفصلی است. اگر خود کتاب را ملاحظه کنید، می بینید که این بخش مندمات کار، یعنی بخش های مقدماتی و جغرافیایی شبه جزیره عربستان مفصل است. بعد بررسی تاریخ اسلام در عصر مکن می آید که آن هم سیار مفصل است. ولی به دوره مدنی که می وسد، فشرده من شود و حکایت از این دارد که من و قبیل مطلب را تنظیم می کردم، به ذکر این نبود که کتاب درسی در مردمه خارج اسلام منتشر

### الله صدر اسلام

(صدری)

### درسی درگاه

معظلمانین شاه و محمد علی شاه و بعد رضا شاه، هر دو ره بذر از دوره قیلی بوده است، من من توافق بگویم که درست گفته است. ایام رضا شاه فقط ایام پدرتی بوده است. بنابراین مخبر السلطنه حق دارد. رضا شاه مجلس را به تصریح به بک طریق تشبیه کرده و گفته بود اگر بیش از حد حرف بزنند و ابراد بگیرند، دستور حواهم داد در آن طریق را بینندند. ولی اگر سخن او را به عنوان یک نظریه تاریخی این طور تعبیر کنیم که روند تحولات تاریخی روئندی انتظامی داشته، حرف صحیحی نیست. تاریخ ایران و روئند تاریخ شر روحی هکرو نامل بوده است.

● از این که سوچله کردند و این گفت و گو را بگیرند، سیاستگران

● اگر اجازه بنهید و فرمود باشد نکته ای را اضافه کنم. متأسفم از این که با تعدادی از دانشجویان در زمینه های مختلف مواجه من شدم که به درسن تاریخ علاقه ای نشان نمی دهند و حتی سبب به درسن تاریخ و فراگیری آن نوعی حالت جبهه گیری و واژدگی دارند.

گمان می کنم که برای این منظور باید همه ما چنانه ای بیاییم تاریخ، صرف تنظر از مسائل جزئی و مصادقی آن، شناختن ام و هویت نیست. مایمون تاریخمن، بدون هویت هستیم. متأسفم که می داریم. دانش آموزان ما از طریق کتاب های درسن و معلم ان درسن و مولفان درسی باید بیاموزند که دلایل هویت دیرینه و ریشه ای هستند. به این هویت بپیالند، نه این که از آن بگیرند.

● دلایل این گزین را چه می دانید؟

○ من فکرم کنم کم افایی و کم التلاعی آموختن و پروردش نیست به دیگران تاریخ، کمیود امکانات آموختش و تابعیت کتاب های درسن، و بعد هم تدریس توسط دیگران ضریت همچنین عامل این امر است.

● مطلوب تزان از محتملی کتاب درسی چیست؟

○ تنظیم محتوا به گونه ای که در مت نام ها، گزارش ها و دلدهای توصیفی فراوان هستند و تحلیل اندک. این باعث می شود که دیگران با توجه به تراویط امتحان، دانش آموزان را بحکوم کنند به حفظ آنها به عنوان اطلاعات در کتاب آمده است، نه فهمیدن و تراویط کنند که مردم نظر مؤلف بوده است. خود من مدت هایی معدی با فرزندانم در مردم تاریخ مشکل داشتم! چون من گفتم باید عیالان من نان بخشم را حفظ کنیم. حفظ کردن علایب آفریزین کار در قلمرو تاریخ است.

هدف از تاریخ رسیده به معرفت است، نه حفظ کردن.

● مجددا از این که در این گفت و گو شرکت گردید، سیاستگزاران و برایان آرزوی سلامتی و سرفیقت دارم.

کنم. یک کار آزاد نوشتم و آن را خلاصه کردم و هرچه جلوتر رفتم، دیدم باید بیش تر خلاصه کنم تا کار محدود شود.

جلد دوم کتاب «عصر خلافت» نام دارد، که به دلایل هنوز آن را منتشر نکرده ام. جلد سوم و چهارم را هم طراحی کرده ام. جلد سوم «عصر امامت» نام دارد و جلد چهارم به نام «عصر سلطنت و امارت» است که دوره امروزی و بخش اول عیاس را شامل می شود.

● نکته دیگر درباره تدریس مشروطیت است. شما چه صحبت های برای همکاران ما در مردم این درسن دارید؟ دوستان ما مشروطیت را چگونه تدریس کنید که دانش آموزان از آن تصور واقعی به دست آورند؟

○ من کنم تراز آن هستم که به همکاران آموزش و پرورش که برخی از آنها حکم استادی را برای من دارند، توصیه کنم. ولی اگر شما پیشنهاد، در مردمه مشروطیت چه می گوییم، خواهم گفت که به جای ورود به بحث های جنجالی مشروطیت، به جای جانبداری با مختلفت، سعی خواهم کرد که درباره پسترهای شکل گیری مشروطیت و دستاوردهای مشروطیت گفت و گو کنم و از وارد کردن کلاس به شخص و اثبات این و آن اختصار کنم. من گمان می کنم که دانش آموزان ما در بحث تاریخ، نیاز دارند که به معرفت در میان های تحولات برستند، نه این که به جزئیات پیراوارند. همچنین آنها را نباید مجبور به حقط مطالب کنند.

● به عنوان آخرین سوال؛ مخبر السلطنه هدایت کابش را با این جمله تمام می کند که: «۸ سال به آرزو روزگار گذراشیم و انتظار روز بهتر کشیدیم و هر روز را از روز دیگر بذرگاندیم. نظر شما در مردم کسی که خودش روزگار پادشاه را دیده و در پایان چنین

حرفوی را من زند، چیست؟

○ اگر منظور این باشد که در ایام مخبر السلطنه، کشور روز به روز به سوی اتحادیت پیش رفته است، بعضی در عصر ناصرالدین شاه و